

بیکار را بنخوا نید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

■ مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای

صفحه ۲

ریاست جمهوری کرده‌اند؟

صفحه ۵

■ اخباری از جنبش دانش‌آموزی

■ گرامی باد خاطره رفیق شهید محمد حاج شفیعیها

■ گزارشی از تظاهرات ضد امپریالیستی

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

۳۱

دوشنبه ۵ آذرماه ۱۳۵۸ بهاباضمیمه ۲۰ ریال

با ایمان به نیروی شکست‌ناپذیر

توده‌های زحمتکش ایران، با قاطعیت تمام

به نبرد با امپریالیسم غارتگر آمریکا برویم!

صفحه ۱ ضمیمه

سطوری از کارنامه جنایت‌بار امپریالیسم آمریکا

از جنگ جهانی دوم ببعده

صفحه ۱ ضمیمه

نقدی بر مواضع چریک‌های فدائیان خلق در مورد طبقات و نیروهای غیر پرولتری

شیوه برخورد پرولتری

یا خرده‌بورژوازی؟

بررسی اجمالی حزب دمکرات کردستان

صفحه ۶

اخباری از: کردستان قهرمان

صفحه ۷

اینست پاسخ خلق ما به مانورهای آمریکا:

ایران را گورستان

امپریالیسم خواهیم کرد!

صفحه ۱ ضمیمه

جنبش کارگری

■ ارتجاع نتوانست، حتی

یکماه کارگران را در خانه کارگر

تحمل کند!

■ کارگران بیکار قزوین

صمن شرکت در مبارزات

ضد امپریالیستی، به مبارزه خود

برای کار، "خانه کارگر"

و... ادامه می‌دهند

■ اعلامیه مشترک عده‌ای از

کارگران کارخانه شادان پور

و داروسازی عبیدی

■ گامی در جهت افشای

سندیکای کارگران بیکار

- اصفهان و حومه -

صفحه ۳

ما به همراه تمام

نیروهای انقلابی و

توده‌های آگاه خلق

رفراندم کذائی را

تحریم می‌کنیم

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

"نگاهی به کارنامه استاندار خوزستان"

(۳)

مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟

ج - مدنی، همدستان و دوستان

به اصطلاح انقلابی وی

و مسئله رئیس‌جمهوریش

مدنی در ماه‌های با روزنامه جمهوری اسلامی (۱۶ مردادماه ۵۸) درباره همکاریاش می‌گوید: "ما کسانی را به کار دعوت کردیم که دریا کیشان ترهید نیست... ما فقط دنبال انقلابی و مجاهد هستیم..."

حال ببینیم این افراد "پاک و انقلابی" و عوامل سرپرده امیرالیهیم و ارتجاع که با مدنی جلاد همدستی کرده اند تا با توطئه چینی و چاره آفرینی زمینه مناسب را جهت آماده سازی افکار عمومی برای کشتار خلق عسرب و انقلابیون و سرکوب جنبش کارگری آن ایجا د کند، چه موجوداتی هستند.

۱ - هاشمی، مشاور حقوقی تیمسار مدنی، دادستان خوزستان مرکز در زمان دولت نظامی اهرازی .

۲ - حمدالله آقایی، معاون مدنی، همدست سرتیپ رزمی عامل کشتار رفجیع سینما رکن آبادان!

۳ - توکل ساکت، معاون مدنی در امور رسیدگی به نکابات که سند دریا فت مسدال "یادبود" سرپرده گیش، اخیراً توسط نیروهای انقلابی منتشر شده است .

۴ - شیخ گرمی روحانی ثروتمند و مرتجعی که

از طرف مدنی به سرپرستی "کانون فرهنگی-اسلامی اعراب" منصوب شد. کانونی که در ایجا دفترقه بخصوص بین کارگران عرب و فارسی نقش مهمی ایفا کرده است .

این شیخ مزدور که از طرف حزب جمهوری اسلامی کاندید شد و هم اکنون نماینده مجلس

هموطنان مبارز! رفقای گرامی!

سا زمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه جا نیه شما توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد . کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید به دست ما برسانید .

تصحیح : در پیکار ۳ صفحه ۲۴ در مورد تحریم رفتارندم قانون اساسی "از آنجا که سرما به داری و وابسته را ... اشتباها ، "از آنجا که سرما به داری..." چاپ شده که بدینوسیله تصحیح میشود .

خبرگان است ، یکی از مداحان شاه خاشن می باشد که در کتابش تحت عنوان "نتایج الفکر" بمناسبت جشن تولد شاه ، خوش آمد

۱۰۰ پرت و پوله‌ای زیاد دی گفته است . که قسمتی از متن و ترجمه آنرا در سند شماره ۱ می آوریم . ادامه دارد

مؤلف در پایان کتاب دو قصیده بلند را که خود در مدح شاه سابق بیزبان عربی سرود آورده است . قصیده اول بمناسبت چهارم آبان و دومی خوش آمد به شاه در یکی از سفرهایش به خوزستان است . این دو قصیده از صفحه ۲۲۲ تا ۲۲۵ کتاب مزبور را دربر میگیرد .

ترجمه چند خط از شعراول زیر عنوان " جشن میلاد " :

ای پادشاهی که از همه شاهان فراتری، همه عذب و سعادت ما مهرون تو است .

در سایه عدل تو ما به چه آسایش ها که دست نیافتیم ، آسایشی که مردمان را چه دستجمعی و چه تک تک تا مل گشته است .

ایران را به زادروزی باید تهنیت گفت که آغاز و پایان آن با وجود تو درخشان است .

شکوه عدل تو باعث ارجمندی این میلاد است همانگونه که ثنوت میلاد (پیا مبر) را ارجمندی بخشد .

دیداری از برکت وجود تو بر کشور حاکم است و به برکت تو است که مبلغین، ملحدین را همه جا تعقیب کرده ، آنها را می پراکنند .

ه از برکت تو است که کمونیستها تا روما رسیده و تا فرمانان آنها مطیع گشته اند .
ه بیست میلیون نفر را با چنان خردمندی رهبری میکنی که رشک جهان را برانگیخته است .
و چند خط هم از سرمد و تحت عنوان "خوش آمدید" مقام با روی زمین را نمیتوان در جلال و غبار .
ه زمانیکه آنها از حمایت رعیای خود محرومند و برای تحرک ندا رند ، تو سیاستمدار و پسر تحرکی .
ه همت تو چنان عالیهست که با حزم و کاردانی خود ، کارگذاشتگان را یک بیک اصلاح و تکمیل میکنی .
ه این عشار (عرب) در حفظ تاج تو چنان استوارند که بیم کوچکترین تزلزلی در آنان نمی رود .
ه تا دنیا بر ریاست شمشیرهای آنان آخته و اسبان نشان در نهایت آمادگی بسوی میدانند ، سلامت و دوام زندگی ترا از جان و دل خواستاریم . همه در عشق و محبت به تو غرق اند .

نظرة فی الکون

۴۲۲-

الاولی : تحت عنوان "بید"

ياما لکاً فاق النوارک و زامدا
فان الناس عزت جملة و فرادی
متشعماً بک مبدأ و معاداً
شرف النبوة عظم الميلاذ
طول البلاد يطاول الاعياد
و بک الدعاة تطارد الاحاد
متشنتاً و عيهم منفاد
لولاک عات بها الزمان فساد

کلمة ختام

فاخت ما بينهم ورد و هم حرك
مستغفلين و انت السائل الحرك
تتابع الخطو في اصلاح ماتر كوا
في حنظل تاجك لا يخش بيم درك
و خلمهم لم تنزل باللحم تنك
في سبک الكل مغوس و منهمك

کلمة ختام

نتائج الفکر

في شرح الباب الحادي عشر

هذا الكتاب الذي بين يديك هو القسم الرابع من هذه السلسلة وهو يتكفل البحث عن الامانة بالخرطرز قد جمع بين حرية البحث والدقة في التسيير والتعكير فجاها به في بابه . ويبحث في نهاية المطاف من المعاد الجسماني وشرح ما يتعلق بأبناح الباب العادي بشرح

محمد الكردي

من الطبع مطبوع في المؤلف

طبع سنة ۱۳۸۰

قمرية لم

سند شماره ۱

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

جنبش کارگری



ارتجاع نتوانست ، حتی یکماه کارگران را درخانه کارگر تحمیل کند !

درحالیکه کمپرا ریگماها از تصرف خانه کارگر بدست توانای کارگران می گذرد، ارتجاع و جنب زده و هراسناک ارتکل ریدبستگی آنان، اربابان مداره سند خود را سراغ کارگرانی فرستاد که آنها نشان با فشاری بیرونی حقوق استداشی شان می باشد. روز جمعه ۵۸/۹/۲۴ اعلام می نماید که "خانه کارگر آزاد سازیم" و مضمون: سدارسما زحماعت جلو خانه کارگر جمع شویم و آنرا از دست مزدوران امیرالیم! پس بکیریم و اما های ساخنی " گروهی از کارگران مسلمان " در میان مردمی که بسوی دانشگاه تهران می رفتند، بحث شد (وقتی مزدوران ریز و درشت و بسته به ساواک و امیر - یالیم ما نند تیسارشا کر، رئیس دفتر ویژه شاه، سمسارولی الله فلاحی قاتل مردم شیراز و... بعنوان عناصر انقلابی در راس کارها باشند، طبیعی است که کارگرها رزی که به گرسنگی خود وزن سچا ش اعتراض میکنند، آمریکا ش معرفی شود!)

بعد از نماز جماعت، حدود ۱۵ نفر اربابان چیز به پنجه بوکس، با توپ و کلت، در حالیکه فریاد می کشند مزدوران آمریکا ش در خانه کارگر جمع شده اند نزدیک به ۲۵ نفر مرد مسلح که خود را ما موران کمیته معرفی می کردند و سوار بنزهای سیاه رنگ بودند، بیجا پیش آنها حرکت میکردند، و حشیانه به خانه کارگر حمله کردند و حدود ۸۰ نفر کارگری که درون آن بودند، بطرز فجیعی مورد ضرب و شتم قرار دادند و زخا نسه کارگر بیرون کردند. این مزدوران و عوا میل سرمایه داران با پنجه بوکس به کارگر پیری که نزدیک ۶۰ سال داشت چنان ضربه وارد کردند که بحالت اغما افتاد. آنگاه بسبب کارهای

● اربابان کارگر پیر ۶۰ ساله ای را با پنجه بکس آنچنان زدند که بحالت اغما افتاد.

و حتی رژیم مزدور شاه، تمام شیشه های اطرافها را شکستند. کارگران خشمگین و خون آلود سینه های خود را در برابر اسلحه های آمریکا ش با سدا ران باز کرده و گفتند: "ای مزدوران، شما آمریکا ش هستیدا ما؟ شما نوکرا آمریکا هستیدا ما؟ شما در حالیکه برای فریب ما کارگران، شعار داد آمریکا ش می دهید عملا اقدام ضد آمریکا ش انجام نمی دهید، در حالیکه ما عمل خواهیم کرد و آمریکا و عمالش که شما از آنها پشتیبانی میکنید تا بودخواهیم نمود. وقتی ما مبارزه میگردیم و درخیا با آنها فریاد می کشیدیم، بعد از آن بنوبت آمریکا است، شما کجا بودید؟ ما شما را خوب می شناسیم! شما آن موقع در اداره، حفاظت کارخانه ها از سرمایه داران مواظبت می کردید! همان سرمایه دارانیکه در هیئت حاکمه هستند و شما برای سرکوبی ما فرستاده اند. آری شما هراستان از همبستگی ما است، این را خود ما خوب می دانیم. اربابان شما از شکل ما وحشت دارند، بهمین خاطر هم نتوانستند ما را با شما بتجا ببینند. اما کور خوانده اند، ما سلاح خود را پیدا کرده ایم، ما درسا به همبستگی با زاینجا را پس خواهیم گرفت." کارگران چون تعدادشان زیاد نبود پراکنده شدند، در حالیکه بهیچ وجه قضا را تمام نموده نمی دانستند. آنها در حالیکه با سروصورت خون آلود مصمم، پراکنده میشدند، گفته دوستان را بیاد می آوردند که روز (۵۸/۸/۱۴) در خانه کارگر گفت: "دوستان! بورژوازی برای خود قاتلونی دار و آن اسنکه هر کارگری که اعتراض کند، با بکسرکوب شود! ما کارگران هم قاتلونی داریم و آن اینکه تا زمانیکه سرمایه دار ی واستما روجود دارد، مبارزه خواهیم کرد."

در رابطه با اخراج سکا رگما رزاکا رخانه، سادان بور و حدود ۱۰ کارگر از کارخانه داروسازی عییدی اعلامیه مشترکی از طرف عده ای از کارگران اسن دوکارخانه انتشار یافت که ملاحظه می کنید: اعلامیه مشترک عده ای از کارگران کارخانه سادان بور و داروسازی عییدی

کارگران مبارزان را رد بکسر سرمایه داران زالمونت ساره ران کارگر ما از کارخانه ها اخراج کردند. آنها فقط و فقط بکسر خود می باشند برای جلو گیری از کم بدن آن حاضرند. هر جنا بیستی دست سز شدند. از جمله اینکه کارگران را به بهانه های بوج دسته دسته اخراج کنند، و به این ترتیب به صف پیشما ر بیگارا ن بیا فزاند. وقتی تعداد بیگارا ن ریا د شد و بیرون کارخانه منف طویلی از کسا نیکه جویای کار هستند بوجود آمدن توکت کارفرمای زالمونت می تواند فشار را به کارگران زیاد کند. مثلا می توان مزد کارگران را کاهش دهد - واگر با اعتراض آنها مواجه شد براحتی میتوان آنها را اخراج کند و از میان بیگارا ن کارگرها استفاده نماید. بدین ترتیب بخوبی می بینیم که کارفرما از صف بیگارا ن بعنوان جماعتی سرکوب کارگران شاغل استفاده میکند. ما با بدتلاش کنیم تا تعداد کارگران بیگاره که کمتر شود، تا سرمایه داران خونخوار نتوانند از بیگاری از کارگران (بیگارا) بر علیه پیش دیگری از کارگران (شاغل) استفاده کنند. در اینجا رابطه بین مبارزه کارگران بیگارا و کارگران شاغل روشن می شود.

اولین قدم ما در حمایت از کارگران بیگارا این است که نگاه داریم تعداد کارگران بیگارا آنچه هست بیشتر گردد. برای اینکار ما باید مانع اخراج کارگران از کارخانه ها شویم. باید متحداً از یکدیگر در مقابل کارفرما حمایت کنیم.

کارگران زحمتکش! سرمایه داران زالمونت هفت برای اینکه اخراج کارگران را توجیه کنند دست به هزار تیرنگ و فریب میزنند تا بقیه کارگران نتوانند به حقیقت آگاه می باشند تا با بدتلاش از کارگران اخراج شده حمایت نکنند در اینجا وظیفه کارگران مبارزان آگاه است که برای بقیه کارگران حقایق را افشاء کنند.

مثلا در طی چند روز گذشته عده ای از کارگران کارخانه سادان پور (۳ نفر) وعده ای از کارگران داروسازی عییدی (حدود ۱۰۰ نفر) را اخراج کرده اند. این مسئله مخصوص این دو کارخانه نیست. در چند ماه گذشته دهها هزار کارگر از کارخانه داروسازی سرکشور اخراج شده اند. این مطلب را حتی مقامات دولتی که همیشه سعی در پنهان کردن حقایق میکنند، نمی توانند انکار کنند. ما هر روز شاهد هستیم.

ای کارگران زحمتکش به سوش با شیدا بداندید که هر چه صف سکاران طویل تر شود چما سرکوب کارفرما! زالمونت سنگین تر می گردد. برای جلوگیری از اخراج کارگران و برای حمایت از کارگران سادان پور و داروسازی عییدی

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

گامی در جهت افشای سندیکای کارگران بیکار اصفهان و حومه

بودند که در عمل نشان دادند تا چه اندازه به حرفها پشان با پدار هستند. بقیه در بیرون به علت جو حاکم و دور- خیزی که از قبل رژیم در جهت سرکوب حرکت انقلابی بوده ها کرده بودند و این رابطه خانه کارگران اصفهان را هم مثل سایر شهرها بسته بود، با مشکل تنهایی و عدم تحرک سندیکا مواجه شدند.

این ها بجای افشای نمایندگانی که به سرکار رفته و کارگران را قائل گذاشته بودند، سکوت کردند و پاره از سازشکاری ها و زدوبند های آنان در محل کار با نمایندگان اداره کار و شرکت آمریکا فی فلور تانین که در آن برای دفاع از منافع کارگران به قول خودشان مبارزه می کردند! اینها شدند، بعد ها همین نمایندگان شغال به همراه یکی از نمایندگان که شغال نبود، وقاحت را تا آنجا کشاندند که با حزب جمهوری اسلامی که قصد تصرف خانه کارگران را بطور غیرقانونی جهت متمرکز کردن شوراها می داشتند، در اصفهان و حومه را داشت، به مذاکره نشستند و در عمل با آنان سازش کردند. آنان بجای آنکه کارگران را جمع کنند و با آنها تکیه نیروی لایزال کارگران انقلابی اصفهان و حومه خانه نشان را و محل قانونی سندیکا پشان را با زبیس بگیرند، آن را گدایی کردند.

در جواب با زخواست کارگران که چرا اعلامیه چاپ نکردید و با به هر شکل دیگر ما را جمع نکردید (توضیح اینکه بعضی از کارگران مجبورند از فاصله ۱۵۰ کیلومتری و با احتیاج دورتر به اصفهان بیایند)، جواب دادند که چون کمیته اجازه چاپ اعلامیه را به ما نمی داد، ما هم نمی توانستیم و حق نداشتیم اجتماع کارگری تشکیل دهیم!!

علت چیست؟ چرا بعضی از همین آقایان در جریان مبارزات اولیه برای تشکیل سندیکا آن طور فعلا لیت می کردند و بعد از آن که سندیکا ثبت شد و حتی از طرف دولت به رسمیت شناخته شد، این گونه به لجن زار سازشکاری و خیانت افتادند. علت این است که آنان تنها برای ارضای حس خودپرستی شان اقداماتی کردند و نه برای طبقه کارگر و اگر هم حرکتی انقلابی پیچیده شده در حقیقت در تاشیر فشار و خواست مصرا نه کارگران بوده و نه ناشی از اندیشه انقلابی نمایندگان. (۳)

بقیه در صفحه ۸

رفته و مجدداً اداره کار را به تصرف خود در آوردند. این بار بجای آقای ابوترابی پسرش برای شکستن تحصن کارگران از مدولی توفیق نیافت. کارگران می گویند تا به آنها خانه کارگر دهند اداره کار را ترک نخواهند کرد. و تا تاریخ تهیه این گزارش (روز پنجشنبه اول آذر) در اداره کار متحصن هستند. کارگران بیکار روز چهارشنبه در تاشیر فشارات ضد امیرالیه آمریکا شرکت کردند و پس از راهپیمایی مجدداً به اداره کار برگشتند.

نوشته زیر را یک کارگر بیکار از اصفهان برای نشریه بیکار فرستاده است. این سندیکا از ابتدای تشکل کارگران و زحمتکشان ایران در او خرا انقلاب به تشکل کرده ام آبی کارگران چند شرکت پروژه ای خارجی اصفهان در مسجدی و پس از آن در خانه کارگر قوام یافت.

پس از نوروز سال جاری در بهار آزادی راه پیمایی مسالمت آمیز کارگران از سوی بازاریان و مرتجعین به خون کشیده شد و در جریان تیراندازی چندین نفر زخمی و کارگری مبارز بنام ناصرتوفیقیا که از قبل توسط مرتجعین شنا سایی شده بود، در جریان ازدحام آنان در محل استانداری اصفهان ترورشده!! وعده زیادی نیز با زداشت شدند. پس از آن کمیته و بازاریان کوشیدند از اجتماع کارگران جلوگیری نموده و به عناوین مختلف تجمعات کارگری آنان را از طریق تیراندازی و دستگیری و با زداشت نمایندگان برهم زنند.

کارگران پس از جمع بندی حرکات خود تصمیم به شست سندیکا و قانونی کردن آن گرفتند. پس از انتخابات غیردمکراتیکی که در مرداد ماه انجام شد، عده ای نماینده شدند که از ما هیئت و قاطعیت آنان خودکارگران هم بطور مدبرانه مظمئن نبودند. حتی بعضی از آنان از همان آغاز به جای برخوردی اصولی با مشکلات کارگران و همین ها در جریان انتخابات و بعد از آن با دست بندی و جبهه گیری علیه کارگران مبارزو آگاه در سندیکا موجب منزوی شدن آنان شدند، و به اصطلاح میدان را از وجودشان پاک کردند!! و این طور استدلال می کردند که این ها نمی خواهند منطقی باشند! و منطقی مبارزه کنند!

آنان پس از این پاک سازی!! از وجود کارگرانی که با اشتقادات اصولی خود به نحوه رفتار و برخورد نمایندگان با مشکلات کارگران موی دماغ آنان شده بودند، با خیال راحت و آرد گود شدند، چرا که حالا سندیکا هم ثبت شده بود، لیکن در عمل سازشکاری، نا آگاهی و خود مرکز بینی عده ای مشخص شد. این عده در اولین شرکت ساختمانی که شروع بکار کرد، به بیانه دفاع از منافع کارگران شغال استفاده شدند. درحالی که در اساسنامه به دقت نوشته شده که نمایندگان حق داشتن هیچگونه شغل انتفاعی را ندارند، و حتی دوسه نفر از همین حضرات خودشان در شورای موسس سندیکا هم عضو

اینجا هستند ولی می بینیم که شما کارگران بیکار در اینجا هستید و شروع کرده به نصیحت کردن کارگران و کوشش در تفرقه انداختن بین آنان و سرانجام به آنها قول داد در صورتیکه کارگران تخمناش را بکشند تا روز دوشنبه کار برای آنها پیدا خواهد کرد. کارگران صبح شنبه تحصن خود را موقتاً شکستند. اما روز دوشنبه هم مدولی از کارخبری نشد. کارگران روز سه شنبه در حیات فرمانداری (خانه موقت کارگر) اجتماع کردند. و پس از آنجا بسوی اداره کار

هما طور که سرمایه داران خونخوار متحد شده اند، آنها در درون دولت سرمایه داری متحد شده اند و ما با عدو درون سندیکا ها و خورا های واقعی متحد ترم.

کارگران زحمتکش! ما بخوبی حمایت رژیم حاکم از سرمایه داران در زندگی خود لمس کرده ایم.

مگر وزارت کار حامی سرمایه داران نیست؟ مگر کشتار کارگران قهرمان پارس میشو در خرمدره توسط پاسداران نفاخته حمایت رژیم حاکم از سرمایه داران نیست؟ مگر دادن وام های کلان از طرف رژیم به سرمایه داران نشانه پشتیبانی از آنها نیست؟ هیچکس نمیتواند این حقایق را انکار کند.

ما عده ای از کارگران این دو کارخانه حمایت خود را از کارگران اخراجی اعلام می کنیم و خواهان بازگشت آنها به سرکار هستیم و در این رابطه توطئه کارفرما را برای اخراج این عده، شدیداً محکوم می کنیم.

۱- کارگران شغال با پیدای کارگران بیکار حمایت کنند و اولین قدم در این راه جلوگیری از اخراج کارگران میباشند. ۲- کارگران تنها با اتحاد و همبستگی به حقوق حقه خود میرسند.

"عده ای کارگران کارخانه شادان پورداروسازی عبیدی"

مبارزات ضد امپریالیستی کارگران بیکار قزوین

کارگران بیکار قزوین ضمن شرکت در مبارزات ضد امپریالیستی بمبارزه خود برای "کار"، "خانه کارگر" و... ادامه می دهند.

در پی تحصن کارگران بیکار قزوین در فرمانداری، به آنها قول داده میشد که تا روز چهارشنبه ۱۶ آبان همگی آنها توسط چند کارخانه به استخدام درآیند. اما ما منظور که انتظار میرفت کارگران بیکار قزوین در روز چهارشنبه با عدم نجام قول داده شده، رو برو گشتند. و همین دلیل و تحت فشارهای مختلف زندگی، با خشم و نفرت نسبت به سرمایه داران به خیابان ریختند و شارهائی چون وعده و وعیدنا نشیبه، اتحاد سازمان بدون اخذ نتیجه ای متفرق شدند. در روز پنجشنبه کارگران بعد از یک راهپیمایی توارا شغال اداره کار را تصرف کردند. صحبت های "وجدانی" رئیس سپاه پاسداران نتوانست آنها را به ترک اداره کار وادارد. بلکه کارگران خود را از اداره کار اخراج کردند. "وجدانی" میگفت که علت بیکاری شما کارگران وجود کشتاورزانی است که به شهر آمده اند! روز جمعه حاج سید عباس ابوترابی (روحانی شهر) به جمع کارگران آمد و به آنها گفت که بما گفته بودند که عده ای ضد انقلاب

اخباری از:



جنبش دانش آموزی

ایلام

خلفا وعده "نما بینده" استانداری
بدنبال عدم اجرای وعده ای که نما بینده
استاندار به دانش آموزان متحصن دبیرستان
امیرکبیر (که خواستار آب و برق برای دبیر -
ستان نشان بودند) داده بود ، با ردیگر روز شنبه
۵۸/۸/۱۹ ، کلیه دانش آموزان این دبیرستان
بعنوان اعتراض از رفتن بکلاس خودداری کردند
و اعلام نمودند تا رسیدن به خواسته های شان سر
کلاس حاضر نخواهند شد .

ارومیه

شکنجه و آزار دانش آموزان مبارز
شب ۵۸/۸/۱۶ ، سه نفر از دانش آموزان
مبارز دبیرستان های ارومیه که با نوشتن شعار
روی دیوار به افشای ماهیت مجلس خبرگهان
پرداخته بودند ، توسط پاسداران دستگیر و
به کمیته برده میشوند و در آنجا بوسیله کمیته -
چی ها (که بیشترشان همان ساواکهای -
سابق اند) شکنجه میشوند ، بدنبال این
حادثه ، دانش آموزان مبارز دبیرستان معنوی
دست به تظاهرات میزنند و طی آن خواستار
آزادی فعالیت سیاسی و دانش آموزان اسیر
میگردند . سه روز بعد دانش آموزان زندانی
آزاد میشوند .

نمین

دستگیری بجرم طرز تفکر
در نیمه دوم آبان ماه در نمین یکی از
توابع اردبیل ، شش نفر دانش آموز ، چند نفر
دکتر که سابقه مبارزاتی هم داشته اند ، به
اتهام کمونیست بودن دستگیر شده اند ، از
سرنوشت دستگیرشدگان تاکنون اطلاعی در دست
نیست .

دمشلی

هرگز اعتراض کند ضدا نقلابی است
بدنبال اعتراض دانش آموزان دبیرستان
دخترانه نظامیه این شهر به کمیته درآموز -
زشی و دیگرنا رسا شهای دبیرستان ، مدیر
دبیرستان دانش آموزان را به مف کرده و ضمن
سخنانی میگوید : " با پیدا همین وضعی که
هست بسازید ، و اگر کسی اعتراض کند ، بعنوان
ضدانقلابی اخراج میشود ."

تبریز

معاون دبیرستان دخترانه ایراندخت
را بجرم عدم سرکوب دانش آموزان در موقع
تظاهرات و اعتصاب منتقل کرده اند .

حمایت دانش آموزان از دیپلمه های بیگانه

توانست تحمل کند ، با چماق بدستان مزدور
به صفوف آنها حمله کرد . بدنبال این حادثه
دانش آموزان دبیرستانهای مذکور ، روزهای
۸/۱۵ و ۸/۱۶ ، دست به تظاهرات و تحصن در
دبیرستانهای خود زدند و خواستار دستگیری و
محا کمه مهاجمین چماق بدست شدند .
(نقل به اختصار از : "درمدا رس چه میگذرد ؟"
شماره ۵ نشریه دانش آموزان مبارز تبریز)

بروجرد

روز ۵۸/۸/۱۴ بسیاری از دانش آموزان
دبیرستانهای ۱۲ شهریور ، آلابوش ، محبوبه
متحدین ، صدیقه رضاشاهی ، وهما یون کتیراشی
به پشتیبانی از دیپلمه های بیگانه متحصن در
دا دگستری ، دست به تظاهرات زدند و سپس به
مغوف آنها پیوستند ، اما ارتجاع که همبستگی
دانش آموزان با دیپلمه های بیگانه را نمی -

دستگیری یک دانش آموز ، به آنها م
خواندن اعلامیه ضد آمریکا

لیستی نوده ها هر روز اوج تازه ای میگیرد و
هیئت حاکمه میکوشد ، ضمن مهار کردن آن خود
را پرچم دار این مبارزه معرفی کند !
بدنبال این واقعه عده ای از مردم شهر
و خانواده دانش آموز شدیدا اعتراض کرده و از
فرماندار توضیح می خواهند ، فرماندار تحت
فشار افکار عمومی ، طی نامه ای به مرکز سپاه
پاسداران تبریز ، و خیم بودن اوضاع شهر را
متذکر میشود . پس از این نامه ، دانش آموز
دستگیر شده آزاد میگردد ، در زیر نسخه ای از نامه
فرماندار ، هشترود را ملاحظه میکنید :

هشترود (سراسر کند)

روز ۵۸/۸/۲۲ عده ای از دانش آموزان
هوادار "سا زمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر"
اعلامیه ای تحت عنوان "بعد از شاه نویت آمر -
یکا ست" در دبیرستان مولوی بخش میکنند ، یکی
از دبیران این دبیرستان دانش آموزی را در
حال مطالعه اعلامیه مذکور شنا سائی کرده و
او را به مرکز سپاه پاسداران هشترود معرفی می -
کند . بلافاصله چند پاسدار به دبیرستان ریخته
و دانش آموز مزبور را دستگیر و به مرکز سپاه
پاسداران تبریز اعزام میکنند . این اعمال
زمانی انجام میگردد که مبارزات ضدا مبر را -

شماره نویسی
شماره خصوصی
نوع پیش نویس
موضوع پیش نویس
مشول تاریخ با کتویس
وزارت کشور
استانداری آذربایجان شرقی
فرمانداری هشترود
تاریخ تحویل ۲۵۳ تاریخ ۲۵۳ تاریخ خروج ۲۵۳

شماره ۳۱
۵ آذر ۵۸
فرمانداری هشترود
تاریخ تحویل ۲۵۳ تاریخ ۲۵۳ تاریخ خروج ۲۵۳

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشان باشد

نقدی بر مواضع چریک‌های
فدائی خلق در مورد
طبقات و نیروهای
غیر پرولتاری

— ۴ —

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی؟

"مسئله روش برخورد سوسیال دموکراسی (کمونیستی) به احزاب بورژوازی یکی از مسائل "عام" یا تئوریک بشمار می رود. یعنی از آن مسائلی است که مستقیماً بهیچ وظیفه مشخصی که در لحظه معین در مقابل حزب قرار می گیرد مربوط نمی شود... (لنین: شیوه برخورد به احزاب بورژوازی)

بررسی اجمالی حزب دمکرات کردستان

خود از سازش و بندوبست با بورژوازی حاکم و با نیروهای ضد خلقی چه در منطقه مانده فئودالها و قباذه موقت و چه سوسیال -

قرار گرفته اند. جناحی از رهبری حزب علیرغم پوشش ایدئولوژیک متفاوت (رویزیونیستی و لیبرال ناسیونالیستی) مجموعاً شما بندگی

قبیل از برداشتن به مواضع ونحوه برخورد رفقای فدائی نسبت به حزب دمکرات کردستان تا آنجا که با این مقاله مربوط میشود، ما محمراً به مواضع، نظرات و محتوای طبقاتی این حزب در سالهای اخیر و عملکردهای کنونی آن مبردازیم.

سازمان اولیه این حزب در حدود ۳۵ سال پیش بوجود آمد و تقریباً یکسال (۲۴ - ۲۵) تحت رهبری عناصر مترقی و ملی همچون قاضی محمد با ایجاد جمهوری مباد قدرت را در محصل در دست گرفت.

پس از یورش قوای نظامی شاه مزدور در سال ۱۳۲۵ و شکست حکومت ملی قاضی محمد در محل این سازمان به شمع ایالتی حزب تسوده تبدیل گردید که تحت نام دمکرات عمل می نمود.

طی دهه چهل عناصر مبارز و انقلابی کرد با مرزبندی با سیاستهای محافظه کارانه و اپورتونیسم رمازی کاری حزب یک جریان انقلابی را در سالهای ۴۵-۴۷ پایه گذاری کردند که به جنبش خلق کرد، تحرک و غنای بیشتری بخشید. اما این جنبش انقلابی که در آن انقلابیونی چون رفیق شریف زاده و دمکرات های انقلابی ای چون ملا واره و... قرار داشتند با یورش همه جا بنده و جنگا رانه ارتش مزدور شاه خاش و تحت فرماندهی اویسی جیلاد سرکوب گردید. رهبری حزب دمکرات فرصت طلبانه از این شکست در توجیه سیاست محافظه کارانه و بی عملی خود بهره جست و در خارج از کشور هم چون برادران تنی خود (رهبران حزب بوده) در انتظار فرصت نشست و با اوچگیری مبارزات خلق در سالهای اخیر به ایران نقل مکان کرد. بویژه بعد از قیام با استفاده از خلا سیاسی موجود در کردستان و بهره گیری فرصت طلبانه از سابقه مبارزاتی حزب در گذشته دور توانست بسرعت سازمان پابسی مجد دست بزند.

نگاهی به برنامه و اساسنامه و ترکیب رهبری در برنامه و اساسنامه حزب دمکرات مضمون کنگره ۱۹۷۳ چنین ذکر شده:

"آرمان نهایی حزب دمکرات کردستان ساختمان جامعه عادلانه سوسیالیستی است..."

"۲۳- زمین به کسی متعلق است که روی آن کار می کند. همه زمینهای دشمنان خلق در بین دهقانان فاقده زمین تقسیم می شود..."

همچنین ماده ۳ اساسنامه می گوید:

"حزب دمکرات کردستان در فعالیت خود از تئوری علمی تکامل جامعه پیروی می کند." در راستای این حزب عناصر ملی - لیبرال و رویزیونیستی در (نوع حزب تسوده ای)

حزب دمکرات در اعلامیه ای تحت پوشش دفاع از خلق کرد، مبارزه دهقانان زحمتکش با ملاکین ضد خلق را محکوم می کند!

س.ج.ف.خ. با قرار دادن کلیه "سازمانهای سیاسی خلق کرد" در یک ردیف و با سکوت کامل درباره ماهیت لیبرالی و سازشکارانه حزب دمکرات و "انقلابی" تلمذ کردن آن، مرزبندی نیروهای طبقاتی با اهداف متضاد را مخدوش کرده و به دنباله روی توده ها از لیبرالیسم کمک نموده و یکبار دیگر مبارزه طبقاتی را زیاد برده است.

امیرالیسم شوروی و با حکومت ضد خلقی عراق ابائی ندارد.

حزب دمکرات و مسئله ارضی

نابودی تمام اشکال ماقبل سرمایه داری یکی از اساسیترین مسائلی است که حل آن وظیفه انقلاب دمکراتیک است. حل مسئله ملی کردستان از مبارزه دهقانان زحمتکش بر علیه نقایب ملاکین و خانها جدایی ناپذیر است. امروزه مبارزه دهقانان زحمتکش کسرد علیه ملاکین و بقایای فئودالیسم یکی از مضامین اصلی مبارزه خلق کرد را تشکیل می دهد. رهنمود برنامه پرولتاریائی اینست که با مصادره ارضی ملاکین به نفع دهقانان زحمتکش میتوان راه غلبه بر موانع پیشرفت اقتصادی و اجتماعی در این منطقه عقب - افتاده را هموار کرد. حال بیعقیم سیاست حزب دمکرات کردستان در مورد مسئله ارضی چیست. کمیته مرکزی حزب دمکرات در یکی از اعلامیه های خود درباره مسئله ارضی هم از ملاکین که به ارضی دهقانان هجوم آورده و خواهان بهره های مالکانه هستند هم زدهقانان زحمتکش که بحق زمینهای ملاکین را مصادره کرده و از هستی خود در مقابل هجوم وحشانه آنان دفاع میکنند انتقاد کرده و چنین می گوید: "...متأسفانه در نوع برداشتن درست از مسئله ارضی بوجود آمده است. از یکطرف در بعضی نقاط برداشت نادرست صاحبان زمین (!!) موجب تجاوز و دست اندازی به کشاورزان شده و... از طرف دیگر برخی از برادران خوش نشین ما چنین می بینند. آرند که اکنون دیگر هرج و مرج و بی بندوباری (!!) حکمفرماست... هرکس مستقلاً - تواند زمین مالک قبلی و یا مزرعه همسایه خویش را غصب کرده و شخم بزند". (تا کسید از ما ست)

بورژوازی را دارند. خط مشی و سیاست آن اساساً بورژوازی و تضاد این حزب با بورژوازی حاکم از متوله تضاد بورژوازی ملت ستمدیده (با تمامی خصوصیات بورژوازی در مرحله انقلاب دمکراتیک توده ای در عصر امپریالیسم) با بورژوازی ملت حاکم است. بدون شک در درون حزب گرایشات خرده بورژوازی دمکرات وجود دارد که در رهبری نماینده نشدند و در خط مشی عمومی و سیاست عملی حزب بردون تاثیر قابل توجهی ندارد. حزب بخش قابل توجهی از خرده بورژوازی مرفه شهری و خرده مالکان و دهقانان متوسط کرد را دربر گرفته است.

ترکیب رهبری، برنامه و اساسنامه مصوبه و سیاست و خط مشی آن ماهیت بورژوازی و نقش و حضور فعال جریان رویزیونیستی مدرن در آنرا آشکار می کند. در مورد مسئله وابستگی حزب همانطور که در قسمت اول همین مقاله در پیکار ۲۸ ذکر کردیم مسئله وابستگی اش اساساً جنبه ایدئولوژیک - سیاسی و طبقاتی داشته و تکیه بر مزدور بودن و جاسوس بودن عنصری عناصری از رهبری در بیان خط و وابستگی و سیاستهای حزب را نادرست میدانیم.

با اینکه برنامه حزب هدف نهایی خود را با اصطلاح ساختمان جامعه عادلانه سوسیالیستی (نوع حزب تسوده ای) قرار داده و اساساً نام آن می گوید: "حزب دمکرات کردستان در فعالیت خود از تئوری علمی تکامل جامعه پیروی میکند"، ترکیب طبقاتی آن به موجب ماده ۲ اساسنامه شامل طبقات مختلف کردستان میگردد. همانطور که فوقاً ذکر شد خط مشی و سیاست عملی حزب سیاسی است بورژوا - لیبرالی که آشتی طبقات را تبلیغ کرده و در محدوده تنگ ناسیونالیسم بورژوازی خواهان "حل" مسئله ملی است و در این راه با اعتبار ما جهتش برای دستیابی با هدف

اخباری از: کردستان قهرمان

در هفته آخر آبان ماه دوفراش توسط پیش مرگان دستگیر شده و به مقر "گه لوی" (بین پیرانشهر و سردشت) برده شدند. جاشا التماس کرده و ادعا میکنند که به سبب بی پولی اینستا رکتیده شده اند، پیش مرگان با قبول گرفتن از آنها که دیگر جاشی (مزدوری) نکنند آنها را آزاد کردند. روز پنجشنبه ۸/۲۴/۵۸ مذکور حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ پاسا روا رتشی را به مقر مذکور اهنما شی کرده و مقر را ساعت ۴ صبح محاصره میکنند، جنگ شروع میشود. خبر در گیری به پایگاه های دیگر پیشمرگان میرسد و عده ای پیش مرگان به یاری محاصره شدگان می آیند. در این درگیری مواضع پیش مرگان توسط فانتوم و هلنیکوپتر مورد هجوم قرار گرفت. درگیری تا ساعت ۸ شب ادامه یافت. حدود ۶۰ تا ۷۰ نفر نیروهای دولتی (که ۳۰ نفر آنها جاش بودند) کشته شدند. یک پیشمرگ شهید و دو پیشمرگ دیگر زخمی شدند. در این درگیری یک نلیکوپتر سونگون شد.

سندج

تظاهرات به پشتیبانی از افسر مبارز، بهروز بهروزشیا
همزمان با مذاکرات هیئت دولتی در کردستان، فرمانده ژاندارمری کردستان، سرهنگ شریفی به افسرمبارز، بهروز بهروزشیا دستور بمباران مردم سردشت را میدهد، اما این فرزند دلاور خلق کرد زیر بار اطاعت کورگورانه شرفته و فرمانده مذکور را با شلیک گلوله از پای درمی آورد. بدینال این واقعه، بلندگوهای دولتی فریبکارانه اعلام کردند که افسرنا مرده قند داشته هلنیکوپتر را ربوده و به عراق ببرد. زهی وقاحت و بیشرمی مردم قهرمان ایران نباید دارند که رژیم مزدور آریا مهری هم با رها و با رها کوشید حرکات انقلابیون ما را با نسبت دادن به کشور های بیگانه از جمله عراق، لوث نماید. آری، ارتجاع کوراست. ارتجاع فقط تا نوک بینی اش را می بیند. اینست که با وجودیکه تجربه سقوط رژیم پوتالی شاه خائن بیخ گسوش اوست، همچنان به شیوه های شکست خورده آریا مهری متوسل می شود.

بدینال دستگیری افسرمبارز توسط دیگر سرنشینان هلنیکوپتر، مردم مبارزنسندج در تاریخ ۵۸/۸/۲۳ طی تظاهرات با شوه و چندین هزار نفره خود بمنظور پشتیبانی از افسر مذکور و آزادی بدون قید و شرط وی شعار میدادند:
"ارتش ضد خلقی نابود یا بد کرده،

بهروز بهروزشیا، این فرزند خلق ما آزاد باید گردد."
"خود مختاری حق ماست،
آمریکا دشمن اصلی ماست."
در همین رابطه روز پنجشنبه ۵۸/۸/۲۴ اعتماد عمومی اعلام شد و همه موازهای شهر بسته بود.
شنگ و نفرت بر فریبکاران

سردشت

آزادی اسیران کارگر
در تاریخ ۵۸/۸/۲۰ ساعت به اسمی قاسم یزدیان کارگر کشتارگاه، متولد اراک، مقیم تهران، نورالله تاکی کارگر اهل شهرضا، احمد آغاسی کارگر نواشی اهل شهرضا که بدنیا لعوا مغربسی ارتجاع برای جنگ به کردستان رفته و اسیر پیشمرگان کومه له شده بودند، پس از مداوای زخمهای که در جریان جنگ برداشته بودند و نیز پس از تشریح خواست های عادلانه خلق کرد برای آنها آزاد شدند. (بمنقل از خبرنامه کومه له شماره ۹)

مریوان

اعدام انقلابی حسن بیگ نجی (شه چی)
ساعت ۹ شب ۵۸/۸/۹ رگبار مسلحی های پیشمرگان قهرمان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان قلب نا پاکویکی از بزرگ جاش های منطقه، مریوان را از کار انداخت. این مزدور کثیف حسن بیگ نجی نام داشت و در زمان شاه خائن مدتی مسئول گروه ضربت ژاندارمری شاهنشاهی و نیز از فعالان ساواک منحل بود.
بیگ نجی پس از قیام شکوهمند خلقهای ایران، رنگ عوض کرد و مانند بسیاری دیگر، یکشنبه "انقلابی" شد و به خدمت ارتجاع درآمد و با تمام قوا به بیباکی در نقشه های شوم مرتجعینی چون چمران پرداخت.
وی از جمله کسانی بود که فعلا لانه در جنگ های ضد انقلابی سقر، بانه، سردشت و درگیری پاسگاه درکی... شرکت کرد و به کشتار خلق کرد پرداخت.

از مهمترین فعالیتهای این جاش بزرگ شرکت در به محاصره در آوردن و شهید کردن قواد دمطفی سلطان و شهید تهمورث اکبری است.

اعدام این مزدور بمنزله، اخباری است بتمام جاشها و جاسوسان کرد و سایر مرتجعینی که برای سرکوب خلق قهرمان کرد به خدمت ارتجاع درآمده اند.
(با استفاده از اعلامیه ۵۸/۸/۱۶ کومه له)



بقیه از صفحه قبل
اعلامیه مزبور تحت پوشش دفاع از وحدت خلق کرد مبارزه دهقانان و زحمتکشان با ملاکین ضد خلق را محکوم میکند. چنین است مفهوم پیروی از "شوری علمی تکامل جامعه" برای "ساختن جامعه عادلانه سوسیالیستی" و "واگذاری زمینهای ضد خلق به دهقانان بی زمین" از دیدگاه حزب دمکرات!!
س.ج.ف.خ.و

حزب دمکرات کردستان

س.ج.ف.خ. بجای پیش گرفتن یک سیاست پرولتری نسبت به حزب دمکرات یعنی افشای لیبرالیسم و سازشکاری آن وسیله در خارج کردن توده ها از توهم ورهائشی از نفوذ این حزب به آرایش آن پرداخته و بادنیاله روی از آن به زانده حزب دمکرات در کردستان تبدیل شده است. بیانیه س.ج.ف.خ. درباره کردستان میگوید: "این روزها در هر گوشه از ایران می شنویم که مبارزه وسیعی را علیه حزب دمکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی خلق کرد سازمان داده اند، هسته اصلی این مبارزه جدا کردن خلق کرد از حزب دمکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی و مبارز است. این روزها اینطور تبلیغ میشود که گویا آراء مردم سود حزب دمکرات در انتخابات مجلس خبرگان نتیجه تحمیل و فشار اسلحه بوده است و دهقانان کردها یکجا از حزب دمکرات را قبول ندارند... اگر آراء خلق کرد می پرسد آنها رای خود را به حزب دمکرات کردستان دادند و اگر نظر خلق کرد را در مورد نمایندگانش محترم نمیشمارید آن مسئله دگر است. چنانچه واقع بینان یا شیم، چنانچه به حقایق گردن نهیم باید ببینیم که توده خلق کرد بد سازمانهای انقلابی خود اعتقاد دارند و آنان را نمایندنده خود می شمارند." (همچنانکه تا کید زمان است.)

آنها هیچگونه وجه تسمیایی پس این برخورد س.ج.ف.خ. به یک حزب بورژواشی با آنچه که تا کنون در مورد سیاست و شیوه برخورد کونستنتا نسبت به احزاب بورژواشی گفته ایم، میتوان یافت؟
س.ج.ف.خ. با قرا ر دادن کلمه "سازمان" نیای سیاسی خلق کرد" در یک ردیف و بدینا سکوت کامل درباره ما هیئت لیبرالی و سازشکارانند حزب دمکرات و "انقلابی" قلمداد کردن آن مرز بندی نیروهای طبقاتی بسا اهداف متضاد را مخدوش کرده و به دنبال روی توده ها از لیبرالیسم کمک نموده و یکبار دیگر مبارزه طبقاتی را از یاد برده است.
گویا از نظر س.ج.ف.خ. "یک سازمان سیاسی" صرف نظر از محتوا و تعلق طبقاتی آن بصرف اینکه یک سازمان سیاسی است نماینده خلق محسوب میشود؛ چنانچه اساسا

بقیه در صفحه ۸

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق هاست

بقیه از صفحه ۲

گامی در جهت ...

اکنون آنان در میان کارگران محبوسیت خود را اردست داده اند و از طرف کارگران مبارز و سازش با پدیری که در کنار رتبه‌ها نما بنده ای که به آنان حیات نکرده است و با به با نشان مانده و حجبیده، در معرض نصیب هستند. تلاش این نما بندگان سازشکار و فرصت طلب برای ابقای خود، تلاشی واپسین دم بوده و دیگری نمی‌پایند که کارگران آگاه و مبارز در یک بازسازی انقلابی همگی عاصرا رنگارنگ را روشن را نصیب کرده و سدیگا را آنطور که مورد حواست واقعی کارگران است، تبدیل به یک سدیگای انقلابی خواهد نمود. براساسی کارگران سراسر جهان بخز اتحاد و مبارزه در راه پیروزی خلق‌ها راه دیگری وجود ندارد.

(۳) - در تاریخ ۵۸/۸/۲۵ یکی از همین آقایان نما بندگان در حواست انتخابات اصولی و مسطقی یکی از کارگران مبارز، ضمن استفاده از نشیوه‌های سرکوب ارتجاعیون مثل تهمت زدن به اینکه شوکا رگرستی، و فدا انقلابی هستی و غیره، دست‌ها قوی کرده و کارگر مبارز را زخمی و مصروپ می‌نماید. این‌ها تمام نتیجه سکوت کارگران در برابر نما بندگان خاشن و سازشکار است که بحای خدمت به آنان، خیانت را پیشه خود کرده‌اند.

کارگران سیکا را معیان در همان روز در سدیگا جمع شده و شدت اعمال ارتجاعی نما بندگان را نمین را نکوش کردند.

بقیه از صفحه قبل

نشیوه برخوردار ...

معتمد باشند که سازمانهای سیاسی کسره **نمایند** خلق کرد نیستند چگونه خواهیم توانستار طریق مذاکرات و طرق سیاسی، نه نظامی مسئله کردستان را حل کنیم؟

آیا این بجز دفاع از بورژوازی و راه "حل" مسئله کردستان از موضع و تمامت خاشانه سورژوازی است؟ نتیجه این سیاست چیری جز هدایت کردن توده‌های زحمتکش کرد بدست‌له روی و سزاشده سورژواری تبدیل شدن است؟ و این "نمایند" "انقلابی" خلق کرد مسئله ملی را بجز در محدوده خواست بورژوازی و ممدستی و بندوبست با بورژوازی ملت‌های دیگر بضرر پرولتاریا و زحمتکشان "حل" خواهد کرد؟

"وظیفه فعال ادامه، به فرجام رساندن و رهبری انقلاب دمکراتیک برعهده پرولتاریا قرار گرفته است، انجام این وظیفه تنها در صورتی ممکن است که پرولتاریا نتواند توده‌های حرد بورژوازی دمکرات، بخصوص دهقانان را در مبارزه علیه استبداد و بورژوازی لیبرال خباستکار بدنیال خود

گرامی باد خاطرۀ رفیق شهید محمد حاج شفیعیها

ما با اجساد خویش بسوی پیروزی پل زدیم
پس، رفقا! به پیش!

(از یک شعر فلسطینی)



ساواک در اطاقی او بمب کار گذا رده بود تا او را ترور کند.

پس از این حادثه، رفیق محمد در دانشکده پلی تکنیک دست به یک افشاگری علمی زد و سپس مخفی شد و فعالیت مبارزاتی خود را در بخش منشعب از "سازمان مجاهدین خلق ایران" ادامه داد. او در بخش کارگری سازمان فعالیت میکرد و در تدوین و انتشار نشریه "قیام کارگر" نقش فعالی داشت.

در همین سالگرد شهادت او، بخشون با کش و به آرمان انقلابی اش سوگند یاد میکنیم که تا نابودی کامل سلطه امپریالیسم جهانی، تا برپائی جمهوری دموکراتیک خلق که راه پر شکوه طوقه کارگر بسوی جامعه سوسیالیستی خواهد گشود، از پای نشینیم و انقلاب عظیم توده‌ای مان را که تا تمام مانده و در اسارت میوه چینیان انقلاب و عاقبت حویا نیدروز افتاده است، تقبالتان خویش به پیروزی رسانیم. خا طره رفیق شهید محمد حاج شفیعیها و برادر مبارزش مرتضی همچون دیگر شهیدای راه آزادی و استقلال ایران گرامی باد.

در آبان ماه سال ۵۵ یکی دیگر از انقلابیون پرکار و ارجمند را در راهی خلقی، یکی دیگر از فرزندان راستین خلق زحمتکش ما، یکی دیگر از ستارگان سرخ انقلاب فدا دهریالیستی، دموکراتیک و فداستزاری توده‌های ما که صبح روشن فردای زحمتکشان را در آن شب تاریک دوران شاه نوید میدادند، یعنی رفیق شهید محمد حاج شفیعیها (فتح الله)، در یکی از خیابانهای تهران، بدست آدمکشان ساواک به شهادت رسید.

رفیق در ۱۳۲۸ متولد شد و دوران تحصیلی را در دبستان سعادت و دبیرستان شریعتی (پهلوی سابق) و دو سال نیز در رشته برق دانشکده پلی تکنیک تهران گذراند.

در سال ۵۵، برادر بزرگتر او مرتضی که خود دانشجوی آگاه و مبارز بود در دانشگاه شیراز به تحصیل زبان انگلیسی مشغول بود، در اثر انفجار بمبی که در خوابگاه او و وقوع بیونست با یک دانشجوی دیگر بشهادت رسیدند. رژیم شاه خاشن اعلام کرد که آن دو در حال ساختن بمب بوده اند ولی رفیق شهید محمد معتقد بود که

بکشاند (لنین - شیوه برخورد ...)

حتی بغرض محال هم که حزب دمکرات بیه قول رفقای فدائی یک حزب دمکراتیک با گرا - یشات لیبرالی باشد و این قضاوت رفقا نیز صرفاً از این ضعف باشد که تا کنین تحلیل جامعی از حزب دمکرات کردستان ارائه نشده است. ببینیم در این حالت و با این ارزیابی مفروض هم برخورد از مواضع پرولتری چگونه باید باشد؟

"توسان در دهقانان و احزاب دموکراتیک دهقانی اجتنابنا پذیر است. حزب سوسیال دموکرات (کمونیست) لحظه‌ای هم نباید از ترس اینکه مبادا چنین توساناتی منجر به انزوا شود، دست و پای خود را کم کند. هر بار که تروید و یکپارچه از خود عدم شهادت نشان می‌دهند و به دنبال روی از لیبرالها می‌افتند، ما باید بدون ترس و با قاطعیت تمام با تروید و یکپارچه مقابله و سستی و ناپایداری حرد بورژوازی آنان را انسا و عقیم کنیم. لنین، همانجا -

"یکبار دید دهقانان بداندند ما باید با استفاده از حقایق این راه آنها نتان دهیم. که تنها حزب کارگران مدافع واقعا تابل اعتماد و با ایمان منافع نه تنها سوسیالیسم

بلکه همچنین دموکراسی، نه تنها مدافع همه کارگران و مردم در سنداستما، بلکه همچنین مدافع منافع تمام توده‌های دهقانان که علیه استعمار نشودالی می‌جنگند، می‌باشد. همانجا حداقل طی یکسال گذشته عملکردها مواضع سیاست حزب دموکرات در برخورد با مسائل و رویدادهای سیاسی، برخورد با مسئله ارضی و اتحادیه‌های دهقانان، برخورد با قیام ده موقت و قشودا لها و خوانین، موضعگیری در جریان سندانج در اشدهما، جریان مریوان و ... و اعلام موضع نسبت به مسئله ملی از طرف رهبران حزب و برخوردشان با دولت قبیل از تیا جم نظامی هیئت حاکمه در کردستان، جلوه‌های آشکار سیاست لیبرالی و سازشکارانه (با حداقل بقول رفقا گرایشات لیبرالیستی) آنها برای رفقا قابل توجه نبود که با افتخار این سازشکاران و سیاست‌های لیبرالیستی در موضعگیریشان نسبت به حزب در هنگام مقابله نظامی حزب با تیا جم نظامی هیئت حاکمه در کردستان به این جنبه هم توجه کرده و آنرا سازمان عمده و در راس سازمانهای انقلابی و نماینده خلق کرد معرفی نکنند!

در فراندم قانون اساسی، نه مثبت! نه منفی! تحریم انقلابی!

بمناسبت اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی خلق

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

پیکار

بها ۱۰ ریال

دوشنبه ۵ آذرماه ۱۳۵۸

تردید نیست که شاه خائن را باید بازگرداند
و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار
صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی
ناچیز از خواستهای ضد امپریالیستی
توده های مردم است .

با ایمان به نیروی شکست ناپذیر توده های زحمتکش ایران با قاطعیت تمام به نبرد با امپریالیسم غارتگر آمریکا برویم!

امپریالیسم انگلستان سرکرده امپریالیسمهاست،
چه هنگامی که امپریالیسم آلمان فاسد سیطره بر کل
عجه در صفحه ۲

سجا و روزورگویی، چپاول، غارت و مکیدن خون
حلقها، ذاتی امپریالیسم است. این حقیقت را
امپریالیسم از بدو موجودیت خودش، چه آنزمان که

اینست پاسخ خلق ما به مانورهای آمریکا:

ایران را گورستان امپریالیسم خواهیم کرد

خلفهای ایران در این مرحله از مبارزه صیقل
امپریالیستی خود لحظات حساسی را از سر می گذرانند
امپریالیسم آمریکا در قیام همین ماهه کنگر
حامیان و حیانتکاران و سارسکاران داخلی و
عجه در صفحه ۲

سطوری از کارنامه جنایت بار امپریالیسم آمریکا از جنگ جهانی دوم بعد

۱- در ۱۹۴۵ دوشهرزایی هیروشیما و ناگازاکی
را با بمب اتمی ویران کرد. صدها هزار نفر جان خود را
آردست دادند و صدها هزار نفر دیگر تا آخر عمر در نتیجه
آثار مرمکبار تشعشعات اتمی معلول و ناقص ماندند

۲- از ۱۹۴۶ به بعد با ۲۲ کشور از کشورهای
آمریکای لاتین که همگی از لحاظ اقتصادی، سیاسی
و نظامی به ایالات متحده وابسته بوده و بسیاری از
آنها هنوز هم هستند، و حسیا به تر بن روابط راداشته و
هر زمان که خلق های ستمدیده و مبارز این قاره برای
کسب استقلال سیاسی و اقتصادی خود سربلند کرده اند
بقیه در صفحه ۳



پیرمردان ویتنامی آمده نبرد با امپریالیسم آمریکا:
خلق ما نیز چنین خواهد کرد

اینست هدیه کارتر و بگین به کودکان فلسطین!
صفحه ۷

گزارشی از میتینگ و راهپیمایی ضد امپریالیستی
دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر و
دانشجویان هوادار سازمان (تهران)

صفحه ۶
گزارشی از تظاهرات و راهپیمایی ضد امپریالیستی در آبدان

صفحه ۵
گزارشی از اجتماع و تظاهرات ضد امپریالیستی

کارگران بیکار

صفحه ۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

با ایمان به ...

جهان را داشت و چه امروز که امپریالیسم جهان‌نحوار آمریکا نقش سرکردگی خود را بازی می‌کند، بخوبی و با وضوح کامل و به قیمت جان میلیون‌ها انسان نشان داده است. آری، قتل، جنایت، جنگ، توطئه، غارت و ... همه از خصوصیات ذاتی امپریالیسم است که در جهت استثمار هر چه بیشتر خلق‌ها بکار گرفته می‌شود. این منطق امپریالیسم است. این راه و روش امپریالیسم است. این خود امپریالیسم است. و با چنین پدیده‌ای، با چنین سیستمی، سیستمی که به قیمت قتل و غارت اکثریت انسان‌های روی زمین به زندگی انگلی و نفرت - بار خود ادامه می‌دهد و فقط با منطق زور می‌توان سخن گفت. امپریالیسم حرف سرس می‌تواند. امپریالیسم ترجمه واقعی‌اش است. امپریالیسم را اساساً به معنی - زنی نمی‌دانند. امپریالیسم هرگز در مقابل ضعف و روسی، استعانه و التماس ارمنا فاع و آزمندیهای خود دست نمی‌شود. با امپریالیسم باید از موضع قدرت سخن گفت. با امپریالیسم باید با قهر سخن گفت، با امپریالیسم باید با تفنگ سخن گفت. تاریخ نشان داده است هر جا که خلق‌ها تحت رهبری طبقه کارگر، با ساخت ماهیت امپریالیسم، با قدرت و قهر به مقابله با امپریالیسم رفتند، توانستند پیروز شوند و چگونه! آنرا به خاک بمالند و هر جا که رهبری آنها بدست سازگار - ان و خیانتکاران خرده بورژوا و لیبرال بوده است، هر قدر بیشتر به دست و پای امپریالیسم افتاده‌اند، هر قدر بیشتر در مقابل امپریالیسم کرنس کرده‌اند، افزون‌تر و افزون‌تر خلق‌ها را در دام‌هایی که امپریالیسم برای آنها تنیده است، گرفتار نموده‌اند.

در مورد مقاومت خلق و شکست امپریالیسم می‌توان و ببتنام را نمونه آورد، که چگونه با تکیه بر نیروی خلق و حقانیت تاریخی اش، بزرگترین و قویترین کشور امپریالیستی جهان را عاجز و درمانده کرد و سرانجام با شکستی نکت بار و خفت آور از وبتنام و بلکه از آسیای جنوب شرقی بیرونش انداخت. و اکنون که در میهن عزیز ما، ایران موج عظیمی بر علیه امپریالیسم و بویژه دشمن اصلی خلق‌های ایران یعنی امپریالیسم آمریکا، سراسر شهرها و روستاها را فرا گرفته، ما باید با تکیه بر نیروی لایزال خلق، با ایمان به نیروی شکست ناپذیر توده‌های زحمتکش ایران با قاطعیت تمام به نبرد با امپریالیسم‌ها رتگر آمریکا برویم.

برای اینکه چنین کاری را عملی کنیم بایستی به توده‌ها و بخصوص به زحمتکشان ماهیت این مبارزه و عمق آن را توضیح دهیم. باید توضیح دهیم که آنان چه موضع تعیین کننده‌ای در سرنوشت نهائی مبارزه ما بر علیه امپریالیسم دارند و تنها آنها هستند که با رهبری طبقه کارگر می‌توانند تابه آخر بر علیه امپریالیسم مبارزه کنند و دنیا را نوین خود را بسازند.

برای اینکه چنین کاری را عملی کنیم، بایستی به زحمتکشان توضیح دهیم که چگونه هیئت حاکمه فعلی علی‌رغم هماهنگ کردن خود با بخش ناچیزی از خواست آنها، نه می‌خواهد و نه می‌تواند طبقه، حادی بر علیه امپریالیسم مبارزه کند. بایستی به زحمتکشان توضیح دهیم که چرا هیئت حاکمه فروشنفت را به آمریکا قطع نمی‌کنند و سرانجام این آمریکا است که از خریدن نفت ما جلوگیری می‌کند! چرا تا بحال هیئت حاکمه حتی یک دلار سرمایه امپریالیسم آمریکا را در ایران بنبغ خلق صادره نکرده

بقیه از صفحه ۱

اینست پاسخ خلق ...

علت که رهبری انقلاب در دست پرتوان طبقه کارگر نبود ضربه مرگبار و نهائی خلق ما زانجشید. اما او اینک با موج نوینی از مبارزه، ضدا امپریالیستی خلق ما روبرو شده است. موجی که ادامه، مبارزات قبل از قیام بسر علیه رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا می باشد. موجی که امپریالیسم آمریکا را که در نه ماه اخیر به حاکمیتان داخلی خود میوه حینا انقلاب ایران امید بسته بود تا بلکه مبارزه توده‌ها را در مسیرهای انحرافی نظیر مبارزه با "کمونیسم" بیاندازد، به هراس انداخته است. در چنین شرایطی است که امپریالیسم آمریکا دست به یک تهاجم همه جانبه بر علیه خلق ما زده است. او همچون خرس زخم دیده‌ای بخود می بیجد، جنگ و دستان نشان میدهد، ناوگان جنگی اش را بسوی آبهای کشور - ما نکسیل می دارد، دست به محاصره اقتصاد میزند با تبلیغات وسیعی که در سطح جهانی برای ما اندازد، افکار عمومی جهانی را سود خود جلب میکند و ...

امپریالیسم خون آسما آمریکا، ملت قهرمانان ایران را "وحشی" دور از تمدن و ناقص حقوق بین المللی معرفی میکند و میا هو و جنجال برآه می اندازد و این درست در حالی است که جلاد خلفهای ایران را زیر جتر حمایت خود گرفته و از او دفاع میکند و بیشرمانه از "حقوق بشر" و "رعایت موازین بین المللی" حرف میزند! اکنون امپریالیسم آمریکا ناوهای جنگی اش را روانه آبهای ایران کرده است. و تفنگداران دریائی - اس را که در جها رگوشه جهان درس کستا رو قتل عام دیده‌اند، برخ خلق ما می‌کشد. اما مسلماً امپریالیسم آمریکا صرفاً ما را تهدید و جین حماقتی نمی‌کند که بخاک ما تها و زکند، چرا که اینک میدان داخل ما ایران را گور - ستان او و حاکمیتش خواهد کرد.

اما تمام می این تبلیغات و ما نوره با خلق ما درس میدهد:

- درس میدهد که خلق ما هرگز دشمن اصلی خود را فراموش نکند، هرگز فراموش نکند که اگر امپریالیسم آمریکا ضربات جدی تری از خلق ما ببیند ما چه معامله ای خواهد کرد!

- درس میدهد که خلق ما هرگز به خیانتکاران و میوه - جیسان انقلاب که در طی نه ماه گذشته تلاش کرده‌اند، در صفوف خلق تفرقه اندازی کنند، و توده‌های نا آگاه را از مبارزه بر علیه "امپریالیسم" باز داشته و آنان را به مبارزه بر علیه "کمونیسم" بکشانند، اعتماد نکند!

- درس میدهد که خلق ما بیش از پیش برای تصفیه حساب قطعی با امپریالیسم و حاکمیتان داخلی او آماده گردد، و برای اینکا رقبیل از هر چیز در سازمانهائی راستین انقلابی متشکل شود و با رهبری طبقه کارگر انقلاب دموکراتیک و ضدا امپریالیستی خویش را به پیروزی برساند. ■

است. ولی این امپریالیسم آمریکا است که ذخائر ارزی ما یعنی حاصل رنج زحمتکشان ما را مسدود می - کند! بایستی ...

بدین ترتیب است که از هرگونه خوش باوری زحمتکشان نسبت به اینکه جز خود آنها کسی دیگر نمیتواند تابه آخر علیه امپریالیسم مبارزه کند، مانع خواهیم شد. و بدین ترتیب است که با تربیت زحمتکشان، خواهیم توانست بر امپریالیسم غدار پیروز گردیم و به جمهوری دمکراتیک خلق برسیم. ■

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

بقیه از
صفحه ۱

سطوری از کارنامه جنایت بار امپریالیسم آمریکا از جنگ جهانی دوم بعد

رژیم ساه وگرفتن سهم خود از نفت ایران، کشور ما را در پیمان تجاوزکارانه بعداد (وسس ستو) وارد کرد و اجازه یافت که همراه با انگلستان، ترکیه و پاکستان هر زمان که بخواهد در ایران بیرو بیاده کند.

۸- در ۱۹۶۲ آغاز لاسکرکشی آسکار به ویتنام بود.

۹- در ۱۹۶۳ (بهمن ۱۳۴۱) رفرا دوم شش ماده ای شاه در رابطه با تبدیل رژیم فئودال وابسته ایران به بورژوازی وابسته بفتح امپریالیسم آمریکا و نیازهای اقتصادی، سیاسی و نظامی آن به اجرا گذارده شد.

۱۰- در ۱۹۶۴ در تجاوز مداوم علیه خلقهای مبارز آفریقا و دفاع از نژادپرستی و حکومتهای نژادپرست آفریقای جنوبی و رودریا، پاتریس لومومبا این رهبر ملی و مبارز ضد نژادپرستی را در کنگو طی توطئه ای قتل رساند.

۱۱- در ۱۹۶۵ ساراه انداختن کودتای فاشیستی در اندونزی سوکارنو را از قدرت خلع و مزدور خود سوارنو را به قیمت قتل عام بیش از نیم میلیون از کمبوسنها و دیگر نیروهای مترقی به قدرت رساند.

۱۲- در ۱۹۶۷ جنگ تجاوزکارانه اسرائیل علیه حلقهای ستمدیده و مبارز عرب را طرحریزی و پشتبانی کرد.

۱۲- در ۱۹۷۰ (سپتامبر) خلق قهرمان فلسطین با طرح کمک آمریکا، اسرائیل و ارتجاع عرب، در اردن قتل عام شد و انقلاب فلسطین که بعنوان یک انقلاب توده ای، ماسع امپریالیستهای آمریکائی و غیره را همراه باناج و نحت مزدوران امپریالیسم در سراسر منطقه، خاورمیانه تهدید می کرد، با ضربات خونین و دردناکی مواجه گردید.

۱۳- در ۱۹۷۳ توطئه های رنگارنگ آمریکا ئی برای فروخواباندن مبارزه توده های عرب منجر به یک جنگ محدود بین اعراب و اسرائیل گردید تا در آن نمایندگان سازشکار روروازی وابسته مصر بنوانند با سانه مناسب با دامن بر سر میز مذاکره بنشینند و به آرمان اعراب و بویزه فلسطینی ها خیانت تاریخی خویش را بنمایند و آمریکا دوباره بس از دوره ای انزوا و بعزت که در نتیجه سارزات توده های عرب بدان دچار شده بود، بیروز مندانه به منطقه بازگردد.

۱۴- در سپتامبر ۱۹۷۳، امپریالیسم تنها ر آمریکا با طرح یک کودتا از طریق سیا- بیوسه حکومت ملی آلسنده را سرنگون کرد. در این کودتا دسان بنسند آمریکا را ردیگره خون هرا را ن سهند آغسته سد، وصفحه دیگری بر کارنامه آغسته سیاه او افزوده گشت. باروی کارآمد

آنها را به خشن ترین شکل، سرکوب نموده است و کودتا های بی درپی نظا میان فاشیست در شیلی، آرژانتین، اروگوئه، نیکاراگوئه و بولیوی و غیره و نیز قتل عام ها، توطئه ها و ارسال جاسوسان و دخالت نظامی آنطور که در کوبا و دومینیکن و... دیده شده است، همگی نمونه های معدودی از این سیاست امپریالیستی را نشان می دهد.

۳- از ۱۹۴۸ به بعد و سقوط فلسطین به دست صهیونیستها، امپریالیسم آمریکا نقش درجه اول را در حمایت از اشغالگران صهیونیست و سرکوب خلق فلسطین و دیگر حلقهای عرب داشته است.

۴- در ۱۹۵۲ علیرغم شکست سختی که در جنگ کره از دست خلق قهرمان کره خورد، کره جنوبی راه منابسه سابقا هی تجاوزکارانه برای خود نگه داشته و ده ها هزارتن مستشار و افراد نظامی را برای در سنده نگه داشتن خلق کره جنوبی، در آنجا نگه داشته است.

۵- در ۱۹۵۳ ساکودنای حائسانه ۲۸ مرداد و واژگویی حکومت ملی دکتر مصدق پایه رژیم سرکوبگر و ضد خلقی ساه فراری را تثبیت کرد.

۶- در ۱۹۵۴ بس ارسکست منصفانه امپریالیستهای فرانسوی در هندوچین، آمریکا سعی کرد حای پیکای محکمی برای خود در جنوب شرق آسیا خود آورد و در حمایت اروپسام جنوبی و مردورانی که در آنجا به قدرت رسانده بود، با آنجا بس رفت که سراحام به جنگی وحسانه علیه خلق قهرمان ویتنام و دیگر خلق های جنوب شرق آسیا، دست برد. جنگی که در نتیجه مقاومت دلیرانه، خلق ویتنام، به گورستان امپریالیسم آمریکا تبدیل گشت.

۷- در ۱۹۵۵ بس از انعقاد قرارداد کنسرسیوم با



در حال توطئه بر علیه خلق عرب و انقلاب فلسطین

همه قرارداد های اسارت آور امپریالیستی باید لغو گردد!



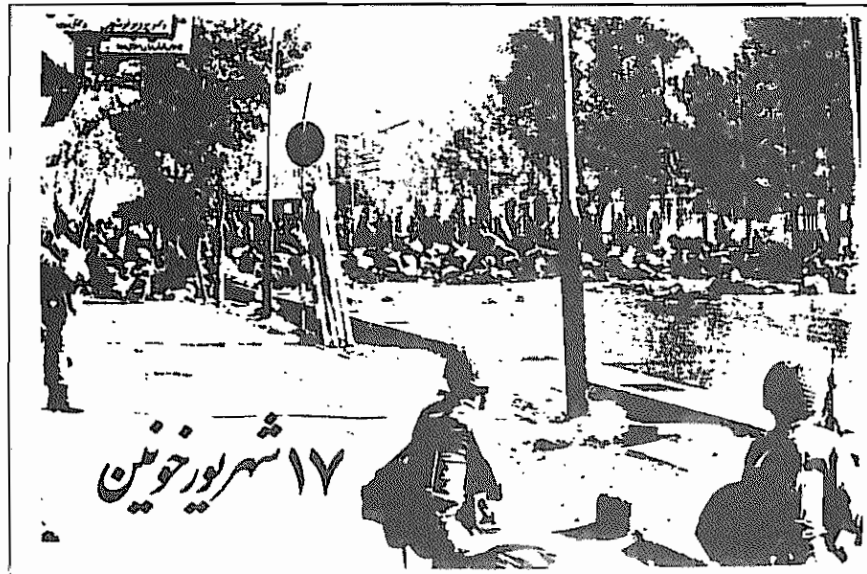
دیکتاتور سوریه بیوسه علاوه بر هزاران مبارز شهید، هزاران نفر دیگر را به سرسنگجه بردند و زندانی کردند.

۱۵- در ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) بمطور حکیم هرچه بسرفدرت خوس در ایران ومنطقه وسردن ما موربت زاندارمی امیرالایسم درخلیح نه ماه، رخا ردهلمررئیس سابق سازمان سیارانه سفارت درایران سرکرید وسفارت آمریکا درنهران بصورت مرکزبوطنه های آمریکا در سراسرمنطقه، خلیج درآمد. ار آن سعدا سکه ساه پارا ازخهارحوت ایران فرانسکرکار دونه لسکرکسی به آنسوی خلیج وسرکوب انقلاب عمان می بردارد وبعنوان سنگ باسدار منافع آمریکا و دیگر امیرالایسمها عمل می کند.

سربازان پینوشه این مزدور آمریکائی، مردم اردرکوجه وخیابان را حت نمیکذارند.

امیرالایستی خلق، آسحان دولت بارزگان را بوحسب انداخت که دکتریزدی، این حامی شناخته شده، آمریکا قرارداد دوجانبه ایران و آمریکا را لغو کرد... اما حبس عقب نسی هائسی نه او و نه یاران او وه امیرالایسم آمریکا را بحاب سواهد داد. خلق ما همتخان به بیس سواهد تاحت ونا توجه به نحارب ۹ ماهه، اخیر، نارسیدن به آزادی واسقلال واقعی یعیسی جمهوری دمکراتیک خلق ار نای سواهد بست وبنارزه با امیرالایسم آمریکا را صرفاً درسا زگردادن ساه خلاصه سواهد کرد. وبدین ترتیب سوزه، امیرالایسم حنابتکار آمریکا را دریکی از مناطق مهم جهان بر خاک سواهد مالید.

پیروزباد مبارزات ضد امیرالایستی خلقهای جهان درود بر میلیونها شهید خلقهای جهان درآسیا، آمریکای لاتین و آفریقا که با کلوله ها، بمب ها و نوطنه های امیرالایسم آمریکا، جان باخته اند.



کوسه ای از جنابات محمدرضا ساه، بین مزدور امیرالایسم آمریکا در ایران

نه سازش، نه تسلیم، پیروزی نهایی اخراج آمریکایی

تنهاره رهایی از یوغ وابستگی وحدت زحمتکشان رهبری کارگر

گزارشی از تظاهرات ضد امپریالیستی کارگران بیکار

روز دوشنبه ۵۸/۸/۲۸ پایان مهلت یکپهفته‌ای بود که نماینده سوراى انقلاب برای پاسخ گوئی به خواست های کارگران و دیپلمه های بیکار از آنها خواسته بود ، بهمین جهت صدها نفر از کارگران و دیپلمه های بیکار برای جواب گرفتن در خانه کارگران اجتماع کرده بودند . ابتدا یکی از نمایندگان کارگران گفت : "دیروز نزدیک به ۵۰۰ نفر از کارگران به سرکردگی یکی از نمایندگان کمیته جوادیه با حالت حمله به خانه کارگران آمدند و دنبال "گروگانها" میگشتند . وقتی به آنها گفتیم ، اینجا بجز ما کارگران بیکار کسی نیست ، خجالت زده گفتند : پس شما گفته بودند ، عده ای کارگر شما و آمریکائی چند نفر را در خانه کارگر گروگان گرفته اند ! این عده سپس با وجودیکه ما مورکمیته مرتب آنها را علیه ما تحریک میکرد ، رفتند .

آنگاه کارگرد دیگری سست میکروفن رفت و گفت : " من یک کارگر ساده ام و هشت ماه است که بیکارم و دوتا بچه دارم . تاکنون ۸ هزار تومان قرض گرفته ام و خورده ام ، دوپنج استکرایه خانه ام عقب افتاده ، دیگر بحالت میکشم بچه بروم . چند شب پیش بسه زن و بچه ام گفتم من خودم را میکشم ، شما هم راحت میسوزید . یکدفعه هم خودم را زیر تریلر انداختم ، اما مردم همه چیزگران شده ، بخدا قسم فیکله چراغ تمام شده ، پول ندارم بخرم والا ۵ تومان سبتربول ندارم . آنوقت حرف هم که بزنی میگویند ، خدا انقلابی ، آمریکائی هستی . پس کارگرد دیگری پست تریبون رفت و پس از آن اساره مسلکاتس گفت : " من در تصرف ایستگاه رادیو شرکت دارم ، در آن سب جدیدی قرار دوسنم که همگی از شهری رفه بودیم شهید شدیم . حالا میسر ما به هم میگویند آمریکائی هستیم . اما آنها که از خارج آمدند و هنوز مهربا سورتشان خشک نشده ، مثل آقای حمران و قطب زاده و ... اینها "انقلابیند" !

پس آران حدیدی کارگرد دیگر صحبت کرد که یکی از آنها به مسکلاتس سوراى کارگران کارخانه نخ زرین بود . وی طی سخنانی گفت : " ۲۸ روز است که در فرار کرده و ما خود کارخانه را اداره میکنیم . با وجودیکه ۴۵۰ هزار تومان حس آماده داریم ، به توصیه کارفرما بازاریبان از ما جنس نمی خریدند و میگویند اسکال "سری" دارد ، از این روزها کارگران عقب افتاده است . دولت هم از سرمایه دار حمایت میکند و با وجودیکه از وضع ما با خبر است ، هیچ اقدامی نمیکند .

۷۰ هزار گشته با ۱۰۰ هزار زخمی دیگر نباید سازش دیگر نباید سازش

گزارشی از اجتماع و تظاهرات ضد امپریالیستی کارگران بیکار

طبق فرار منطقی و به درخواست گروهی از نمایندگان امور ان و دانشجویان راهبمانی از روبروی درب ورودی ندی واقع در کوی کارگران سده در آن بپار دو هزار نفر شرکت کردند . شعارها اینها بود : "کمیته هماهنگی تهیه شده بود و پلاکاردهائی برای طرف تمام گروههای شرکت کننده در راهبمانی حمل شد . کمیته هماهنگی راهبمانی عبارت بود از دانش آموزان و دانشجویان مبارزان . دانش آموزان هوا داران سازمان بیکار ، سردانش آموزان (سازمان نوده) انقلابی دانشویان و دانش آموزان . بعضی از شعارهائی که در این راهبمانی داده میشد عبارت بود از : "دست تارا حکر یا یکی از ایران کوناه" ، "بهارس ، به سلیم بیرونی نهائی اخراج آمریکائی" ، "تحویل شاه جانی فریاد ملت ماست ، بیکار را آمریکا حواسه خلق ماست" ، "فره" دیگرما ، بر بیکار آمریکا به همت بنکران . قطع صدور نفت است" ، "همیشه باید ما دانش رزم ملت" . "قصد موقت ، این جاسوس آمریکا ، از کردستان ایران اخراج باید کرد" ، "آمریکا ، اسرائیل دشمن طحهای ما" . عمان ، فلسطین ، متحد خلق ما" و ... و بعد از گذشت صف راهبمانی از خیابان اصلی کوی کارگران در منطقه دیگری از کوی کارگران (لامسی) شد . در این راهبمانی اعلامیه ها نیز با نظم خوبی سخن میشد و آنها را دست دست میکردند و به نمات خانه هائی که در مسیر راهبمانی وجود داشت اعلامیه میدادند . بعد از سیمون مسافتی دیگر در پست در مانگاه کوی کارگران در نزدیکی دبیرستان جاوید ، راهبمانیان رادعوت به سست کردن و در این موقع قطعنامه راهبمانی توسط یکی از دانش آموزان قرائت شد و سپس مرحم آمریکا به آنس کسده شد . توده های مردم و راهبمانیان با کبده و فرت به پرچم آمریکا که در حال سوختن بودنی بگریستند . بعد از سوزان شدن پرچم راهبمانیان جایی تازه گرفته ما شعار "مرگ کارتر ، مرگ بر آمریکا" به راهبمانیان داده شدند . و بطرف خیابان کارگران حرکت کردند . در اینجای ورودی خیابان کارگران راهبمانیان گفته شد که کم کم منفری شوند ، عده ای منفری شده وعده ای با دادن شعار در خیابانهای فرعی کم کم منفری شدند .

خود سروده بود قرائت کرد که در آخر اس کاراس مسمبانی

ارترا ملاحظه خواهد کرد . در این موقع کارگران در رابطه با یکی از زندانیان زندانیان که هفته قبل دستگیر شد و با وجودیکه آزادی وی یکی از خواستهاشان بود و میباید سوراى انقلاب "قول" داده بود که در اولین فرصت وی را آزاد کنند . ولی همچنان در بند بود ، شعار دادند که : کارگران زندانی آزادی بیدگردد .

آنگاه نماینده وزارت کار سست میکروفن رفت و گفت : " یکی از خواستهای شما که بیمه بکاری بود ، مورد بررسی قرار گرفت و برای تصویب به سوراى انقلاب فرستاده شد . " وی آنگاه از نماینده کارگران خواست که روز پنجشنبه ۵۸/۹/۱ به وزارت کار مراجعه کنند . از آن کارگران بدینال مدتی بحث تصمیم کردند که

آقای کئی گفته است ، حیدکارگرد از انقلابی بین شما هست ، آنها را بیرون کنید تا بشما کمک کنیم ، اینها میخواهند با حیل و فریب کارگران آگاه را بنا میسازند انقلابی از ما جدا کنند ، اما کور خوانده اند . ما کارگران هم خودمان را خوب می شناسیم و هم کمیته چی هارا ، سپس کارگرد دیگری سست میکروفن رفت و ضمن سخنانش گفت : " ... در زمان شاه خائن زندانها پر بود از انقلابیون و روشنفکران صادقی که در راه آزادی طبقه کارگر میدان مبارزه آمده بودند ولی امروز بسیاری از زندانیان سیاسی ، خود کارگران هستند و این بسیار امیدبخش است . این مسئله نشانه و هتد دهند روزی است که طبقه کارگر بطور گسترده پا در میدان مبارزه میگذارد و می کوشد که همه کارها را خود بدست گیرد . " وی سپس قطعه شعری را که

خلق هامی رزمند ، امپریالیسم می لرزد

تنها کارگران و زحمتکشان قادرند سلطه امپریالیسم را قطع کنند

گزارشی از میتینگ و راهپیمایی ضد امپریالیستی دانشجویان مبارز ... و دانشجویان هوا در زمان (تهران)

روزه شنبه ۸/۲۹ از طرف دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر و دانشجویان طرفدار سازمان پیکار، میتینگ و راهپیمایی ضد امپریالیستی در زمین چمن دانشکده پلی تکنیک تهران برگزار شد. برنامه در ساعت ۳ بعد از ظهر آغاز گردید، در زمین چمن دانشکده پلی تکنیک پلاکاردهایی با مضامین زیر چشم میخورد:

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ما، حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست، تنها کارگران و زحمتکشان قادرند سلطه امپریالیسم را قطع کنند.

محدود کردن مبارزات خلق به استرداد شاه خائن، به بیراهه کشاندن مبارزات ضد امپریالیستی بوده است، سرکوبگران زحمتکشان انزلی نمیتوانند ضد امپریالیست باشند.

پیروز باد مبارزات رهایی بخش خلقهای جهان بر علیه امپریالیسم جهانی.

کار برای کارگر، زمین برای بزرگوار، خودمختاری خلقها، دمکراسی توده‌ای برای ایران، افشای خرید ۲/۵ میلیارد دلاری از آمریکا در دولت بازرگان جزء، خواستهای ضد امپریالیستی خلقهای ایران است.

مبارزه با امپریالیسم یعنی قطع نفوذ اقتصادی-سیاسی - نظامی و فرهنگی امپریالیسم که آنهم تنها از عهده کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار خلقی برمی آید. وسیله سرکوبگران خلقها.

در آغاز پیام دانشجویان مبارز و دانشجویان طرفدار سازمان پیکار، خوانده شد، که در آن به مبارزات ضد امپریالیستی خلق و ماهیت ضد انقلابی هیئت حاکمه در رابطه با مبارزات خلقی گردو بندر انزلی و ادامه سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم اشاره گردید.

در این میتینگ درباره ماهیت مجلس خبرگان و اصل ارتجاعی "ولایت فقیه" و برسمیت شناخته شدن سرمایه داری وابسته نیز صحبت شد. و سپس قطعنامه میتینگ قرائت گردید.

پس از پایان میتینگ راهپیمایی بطرف مرکز توطئه آمریکا بر علیه خلقهای ایران آغاز گردید. راهپیمایی که به چندین هزار نفر میرسیدند پس از رسیدن به تقاطع خیابان آیت الله طالقانی بسا سپید قره‌نی به سمت خیابان فردوسی حرکت کرده و راهپیمایی خود را با شور تمام و درحالی که شعارها - ثنی نظیر: قرارداد نظامی با هرا امپریالیست الغاء باید گردد - خون شهیدان خلق میدهد این پیام - مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع - بازگشت شاه خائن، اعدام شاه خائن کوچکترین خواست خلق - مهمترین خواست خلق، نابودی آمریکا، نابودی ارتجاع - را تکرار میکردند از میدان فردوسی بطرف میدان امام خمینی (سپه سابق) و از آنجا بطرف پارک شهر حرکت کردند و سپس در حالیکه شعار مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع میدادند متفرق شدند. در طول راه هیچگونه

طرف سفارت آمریکا راهپیمایی کنند، و جمعیت ساعت ۱۲/۵ براه افتاد. بعضی از شعارهایی که در بین راه می دادند عبارت بود از:

آمریکا تو خالی است، ویتنام گواهی است. ۷۵ هزار کشته، با ۱۰۰ هزار زخمی، دیگر نباید سزاش، دیگر نباید سزاش.

به گفته توده‌ها، توطئه آمریکا، دیگر اثر ندارد.

ساعت ۲ بعد از ظهر جمعیت به سفارت آمریکا رسید و قطعنامه خود را خواند که در زیر قسمتی از آنرا ملاحظه میکنید:

"ما از دانشجویانی که خواهان قطع کامل تمام وابستگیهای اقتصادی، سیاسی، نظامی و... با آمریکا هستند پشتیبانی کرده و در زمینه سیاسی خواهان: ۱ - قطع کلیه قراردادهای اقتصادی، سیاسی، نظامی با آمریکا،

۲ - مصادره سرمایه‌های امپریالیستی و بخصوص امپریالیسم آمریکا،

۳ - انشاء کلیه قراردادهای ایران و آمریکا،

۴ - استرداد بدون قید و شرط شاه خائن و محاکمه او در دادگاه خلق ایران،

و در زمینه صفتی خواهان:

۱ - ایجاد کار بدون سرمایه‌های امپریالیستی برای همه بیکاران،

۲ - پرداخت حق بیمه بیکاری به همه بیکاران،

۳ - دادن دفترچه بیمه درمانی به همه کارگران، (چه شاغل چه بیکار)، می‌بایسم.

آنگاه جمعیت با شعار "سازش با آمریکا بر سر نحویل شاه، افسا، ناید گردد" بسوی میدان فردوسی حرکت کرد و در آنجا با این قرار که اولین پنجشنبه بعد از عید سورا در خانه کارگران اجتماع خواهند کرد، از هم جدا شدند.

در زیر قسمتهایی از کارگران را که خود سروده و در خانه کارگران قرائت کرد، ملاحظه میکنید:

ما همه رنجبریم
ما همه کارگریم
دست بر سینه ما
حاصل یک عمر تلاش
سالها سوخته و ساخنه‌ام
ناگه آندروزی
دست در دست همه رنجبران
بحر و سم از جسم
و بگویم که آزاد سویم

.....
.....
و با ک اندازم
بحر کبینه اسعما روا سنما

.....
.....
و حواسم به آوار بلند
بحر می ناید اگر برافراسته ناسد
بحر می کار کرد دهقان است

.....
.....
یک خون، یک رحمی که برس داریم
و بر آن نفسی ناسد ار
دای بر سوکت دهقانان
حکمی کارگران.

تحویل شاه خائن فریاد ملت ماست، پیکار با آمریکا خواسته خلق ماست

اینست هدیه کارتر و بگین به کودکان فلسطین!



از چهره بر ریب وریای امیرالیسم برمی گیرند و او را وادار می کنند تا بزبان اصلی خود سخن گوید: جنگ و کشتار! ایک خلق های ایران بیا خواسته اند ما همراه و همرم فلسطینیم. فلسطینی که حکمه های خوبیست آمریکا و اسرائیل بر آن سنگینی می کند. مادر حبه متحد شده های ستم دیده جهان بر علیه امیرالیسم می جنگیم. سله های حشم مقدس خلق اکنون بر علیه امیرالیسم آمریکا زبانه می کشد. توده ها مصمصا به پین می روند. آنها این نبرد حماسه آمیز را بیابار خواهد رساند.

هرچه شعله ورترباد آتش حشم و نفرت توده ها بر علیه امیرالیسم
ننگ و نفرت بر امیرالیسم حبا سحوار آمریکا
و حامیان داخلی او

چهره ابن فلسطینی سوخته از آتش بمب های ناپالم، بسردوستی آمریکا ئی "راه بهرین سکی به سالیس می گذارد. امیرالیسم آمریکا به فلسطین قهرمان به فلسطینی آواره و مبارر بمب آتش ز "هدیه" می کند. ویرایی، سوختگی، اسهدام، غارت و کسار هم سواره "هدیه" امیرالیسم آمریکا به خلق های ستم دیده جهان به شعبنگان آزادی بوده است. "هدیه ای که امیرالیسم آبرادر بسته بندی "جمایت از کسورهای دوست" و "جلوگیری از خطر کمونیسم" عرضه می کند. اما خلق های ستم دیده با مبارزات قهرمانی و حماسه آمیز خود، این برده عوام فریب را از هم می درند آری، آمریکا که گاهی به زبان "دیپلماتیک" سخن می گوید، آنگاه که منافع خود را در خطر ببیند، آنگاه که خلق ها برای کسب استقلال و حقوق از دست رفته خود برخیزند، زبان آتش و کشتار را رومی کند. مبارزات اوج گیرنده توده های ستم دیده، ماسک "حقوق بشر" را

درگیری پیش نیامد و مردم اعلامیه ها و تراکت های را که یخش میشد با علاقه تمام می خواندند. تنها در نزدیکی خیابان باب همایون، عده ای از عناصر ناآگاه، با شعارهای "رهبر فقط روح الله"، "حزب فقط حزب الله" و... سعی در ایجاد اغتشاش کردند که با متانت همیشگی رفقا و دوستان شرکت کننده در راهپیمایی روبرو شدند. بعضی شعارهای دیگر عبارت بودند از:

کرد، عرب، ترکمن، دشمن امیرالیسم - سرکوبگر - ان خلقها همدست امیرالیسم . دهها هزار کشته، صدها هزار زخمی، نه سازش نه تسلیم، نبرد با آمریکا.



لومومبار رهبر ملی
وضد نژاد پرست
آفریقا که با
طراحی آمریکا به
شهادت رسید.



اتحاد و همبستگی تمامی نیروهای راستین خلق

ضامن پیروزی بر امپریالیسم است

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۸/۹/۴